

ادامه مطلب استمداد خانواده دکتر زهرا بنی یعقوب ... از صفحه اول

خانواده عزادار ما تماس گرفت و با انواع تهدیدها از ما خواست که پرونده را پیگیری نکنیم. (اسم این فرد حتی در بین متهمین وجود ندارد. ما از او به این دلیل نیز که خانواده ما را تهدید کرده، شکایت کرده ایم اما دریغ از یک احضار و بازجویی کوچک درباره اش صورت گرفته باشد.) پدر زهرا هنوز از یاد نبرده است که سرهنگ «ق» رئیس ستاد امر به معروف همدان چند ساعت پس از وقوع این فاجعه با خنده یا او روبرو شد و گفت: «برای پیگیری وضع دخترت به آگاهی برو، نه! بهتر است بروی پزشک قانونی.» رئیس ستاد امر به معروف به خاطر مرگ تلخی که در حوزه تحت نظارتش اتفاق افتاده بود، کمترین نگرانی، اضطراب و یا ناراحتی نداشت.

اورژانس منطقه، پس از معاینه جسد زهرا در ساعت نه و نیم شب، عنوان می کند که او قبل از ساعت هشت شب فوت کرده است. ما بارها و در جریان بازپرسی به این گزارش دروغ اعتراض کردیم. اگر او ساعت هشت شب فوت کرده چگونه می توانسته در ساعت هشت و نیم شب با برادرش صحبت کرده باشد. آنها از ما پرسیدند که چه مدرکی برای اثبات این ادعای خود دارید؟ ما در پاسخ گفته ایم غیر از شش نفری که در کنار برادر زهرا شاهدمکالمه بودند، می توانید پرینت مکالمه های تلفن همراه برادرش را بگیرید تا معلوم شود کی و از کجا با او تماس گرفته شده است. اما چهار ماه طول کشید تا این پرینت را در اختیار ما بگذارند. (چرا چهار ماه؟ کسی به این سوال ما نیز جواب نداده است.) در این پرینت نه تنها خبری از مکالمه ساعت هشت و نیم شب زهرا با برادرش نیست، بلکه ساعت تماس ها هم به هم ریخته و نامرتب است. به عنوان مثال تماس ساعت ۵ بعدازظهر پس از تماس ساعت ۶ ثبت شده است. از نظر ما این دستکاری در اسنادی است که می توانست به حقیقت ماجرا کمک کند. پس از انتقال جسد زهرا به پزشکی قانونی، آنها ساعت مرگ را ۹ صبح روز شنبه اعلام می کنند. در حالیکه ساعت ۵ بعدازظهر و هشت و نیم شب با برادرش صحبت کرده وحدود ساعت ۵ بعدازظهر همان روز هم یک قاضی او را دیده و با او صحبت کرده است. براساس گزارش پزشک قانونی دو کبودی روی پاهای زهرا مشاهده شده است. کبودی روی ساق پای چپ و کبودی روی ران پای راست. اما به علل احتمالی این کبودی ها اشاره ای نشده است. آنها ادعا می کنند زهرا خودش را در اتاقی که زندانی بوده با پارچه های تبلیغاتی حلق اویز کرده است. اما توجه نمی کنند آیا کسی می تواند در فاصله یک و نیم متری اتاق رئیس بازداشتگاه در حالی که در اتاق بسته است، خود را از چارچوب همان در بسته حلق اویز کند و هیچ صدایی هم از او شنیده نشود؟ به نظر ما دست اندر کاران پرونده به تناقض های دیگری هم که در این پرونده وجود دارد، توجه نمی کنند. عجیب تر آنکه پزشکی قانونی به خونی که از بینی و گوش زهرا بیرون آمده، هم توجهی نکردند و در هیچ کدام از گزارش هایشان به آن اشاره نکرده اند. دو-سه روز پس از مرگ دلخراش فرزندانمان، یکی از معاونان استانداری همدان با پدر زهرا دیدار کرد و به او گفت: «دیروز در شورای تامین استان حرف از شما بود که جزو زندانیان سیاسی زمان شاه هستید و زحمت های زیادی برای پیروزی انقلاب کشیده اید ما مشکلات زیادی داریم. دانشجویان پزشکی به خاطر این حادثه هم اکنون در اعتصاب هستند. رادیوهای خارجی در این باره در حال سمپاشی هستند، انتخابات مجلس هم نزدیک است. خواهش ما از شما این است که حتی به اقوام خودتان هم نگویید که فرزندان در ستاد امر به معروف فوت کرده است. مثلاً بگویید تصادف کرده و یا دچار ایست قلبی شده است.»

این فقط نمونه ای کوچک از برخورد یکی از مسئولانی است که به جای دادخواهی از خون به ناحق ریخته شده زهرا ما را توصیه به دروغ گفتن درباره مرگ دخترمان کرده است. از این مسئولین می پرسیم که آیا هرگز درباره برخورد امام علی(ع) با مدیران خلافکار خود چیزی خوانده و یا نشنیده اند؟ آیا از یاد برده اند که امام علی به خاطر ظلمی که بر زن یهودی توسط کارگزارانش رفته بود، خون گریست؟ در زمانی که ییکر پاک فرزند عزیزمان را دفن می کردیم، از بینی و گوش او خون جاری بود که هم ما و هم حاضران را منقلب کرد. ما با چند پزشک متخصص تماس گرفتیم که همگی گفته اند کسی که حلق اویز شده باشد به هیچ وجه گوش و بینی اش خون ریزی نمی کند و این از نشانه های ضربه مغزی است. بنابراین خانواده تقاضای نیش قبر را برای بررسی

خانواده د کتر زهرا در نامه خود نوشته اند: «متأسفانه تاکنون پرونده مرگ فرزندانم به نقطه روشنی نرسیده است و متهمان همچنان آزاد هستند و مجازاتی برای آنها در نظر گرفته نشده است و هیچ کس پاسخ مشخصی به ما نمی دهد.» متن کامل این نامه که از سوی خانواده زهرا بنی یعقوب در اختیار کانون زنان ایرانی گذاشته شده است، به این شرح است:

به نام خدا

مردم آگاه ایران، بویژه فعالن حقوق بشر

بیش از یکسال از مرگ مشکوک فرزند دلبندهمان دکتر زهرا بنی یعقوب در بازداشتگاه امر به معروف و نهی از منکر همدان می گذرد. در این مدت تلاش فراوانی از سوی ما، و کلای مدافع پرونده، فعالان حقوق بشر و حقوق زنان و روزنامه نگاران مستقل برای کشف حقیقت صورت گرفته اما متأسفانه تاکنون پرونده به نقطه روشنی نرسیده است و متهمان همچنان آزاد هستند و مجازاتی برای آنها درنظر گرفته نشده است. هیچ کس پاسخ مشخصی به ما نمی دهد. به همین دلیل با مروری بر پرونده دخترمان از شما یاری می خواهیم و جمله تامل برانگیز یک هزار دانشجوی پزشکی را که چند روز قبل با ارسال توماری برای رئیس قوه قضائیه نسبت به چگونگی روند رسیدگی به این پرونده اعتراض کردند، یاد آوری می کنیم: "این اتفاق می توانست و می تواند برای هر کدام از فرزندان ایران زمین روی دهد. فرزند ما، دکتر زهرا بنی یعقوب دانش آموخته دبیرستان تیزهوشان، نفر ۲۳ آزمون سراسری دانشگاهها و فارغ التحصیل دانشگاه علوم پزشکی تهران از حدود هشت ماه قبل از مرگش، در مناطق محروم همدان و کردستان درحال طبابت بود. او به خاطر پدرش که زندانی سیاسی رژیم شاه بود، از طرح خدمت اجباری پزشکان معافیت داشت و حضورش در این مناطق محروم کاملاً داوطلبانه بود. زهرای ۲۷ ساله ی ما، روز جمعه ۲ مهرماه ۸۶ ساعت ۱۰صبح در پارکی در شهر همدان به همراه نامزدش توسط مأموران ستاد امر به معروف دستگیر شد. مسئولان این ستاد بیش از ۲۴ ساعت ما را در جریان بازداشت دخترمان قرار ندادند. چرا که بازداشت او را از اختیارات قانونی خود میدانستند. ساعت ۱۱ صبح روز شنبه سرهنگ «ق» با لحنی توهین آمیز ما با تماس گرفت و ضمن بیان اجمالی ماجرای بازداشت، به پدر زهرا گفت که فردا به همدان بیایید. پدر می پرسد: «چرا فردا؟ من می توانم امشب خود را به همدان برسانم». او با اصرار زیاد از سرهنگ «ق» می خواهد که با دخترش صحبت کند که اجازه نمی دهد. به گفته قاضی، روز دوم بازداشت، زهرا که از تماس ستاد با خانواده اش بی خبر است، دائم خواهش می کند که اجازه دهند یک تلفن کوتاه به خانواده اش بزند تا برای آزادی اش به همدان بیایند. (از صحبت های قاضی در روز دوم) سرانجام حدود ساعت پنج بعدازظهر و با دستور قاضی اجازه صادر می شود که زهرا با ما تماس بگیرد. پدر و مادر در راه هستند و نمی توانند با آنها تماس بگیرد. به برادرش، رحیم، تلفن می زند و با توجه به اشکال در خط موبایل در منطقه ای که برادر حضور داشت، تماس تلفنی به بیش از چند کلمه نمی رسد. پس با محل کار خود تماس می گیرد و تقاضای دو روز مرخصی می کند تا بیمارانش با درهای بسته درمانگاه مواجه نشوند. تلاش برادر برای تماس دوباره نهایتاً به این ختم می شود که برای صحبت با خواهرش باید تا ساعت ۹ شب صبر کند. ساعت حدود هشت و نیم شب بود. موبایل برادرزنگ می خورد که پیش شماره همدان را می بیند. این بار تماس چند دقیقه طول می کشد. برادر در گفت و گو با زهرا احساس می کند وضعیت روحی زهرا در شرایط خوبی است. او در جواب این سوال برادر که می پرسد تو را اذیت نکرده اند، می شنود «نه» و بلافاصله می گوید: «کسی بالای سرم ایستاده است». برادر به زهرا اطمینان می دهد که پدر با پول نقد و سند در راه همدان است و حدود یک ساعت دیگر به آنجا می رسد. تماس تلفنی با «خداحافظ آبی جان» و «خداحافظ داداش» به پایان می رسد. بعد از این تماس دقیقاًچه اتفاقی افتاده، معلوم نیست. و غیر از اعضای ستاد امر به معروف، فقط خدا می داند. پدر و مادر زهرا ساعت ۱۰ شب به همدان می رسند. در جلوی بازداشتگاه با عجیب ترین توهین ها مواجه می شوند. یکی از اعضای ستاد به پدر زهرا می گوید از نظر ما دختر تو صلاحیت پزشک بودن در این مملکت را ندارد. این فرد یک هفته پس از خاکسپاری زهرای عزیزمان، با

این سفر همچنین تحکیم روابط دوجانبه با اسرائیل را مورد تاکید قرار داد. انگار که اشغال وجود خارجی نداشت یا مستعمره سازی اصلاً گسترش نمی یابد و یا این که میتوان با بهانه تروریسم، سرکوب روزافزون را توجیه کرد. و هنگامی که در سال گذشته، دولت ایهود اولمرت با خانم آنکلامرکل، رئیس وقت اتحادیه اروپا تماس گرفت تا همکاری مستحکم تری با اتحادیه اروپا برقرار کند، فرانسه مساعدترین واکنش را در میان دول اروپا داشت. هدف، تعمیق همکاری های اقتصادی و بویژه استحکام مناسبات سیاسی بود. مسئولان اسرائیلی خواهان ملاقات سالیانه با شورای وزیران اتحادیه اروپا شدند. اشاره شود که تنها کشورهای بزرگ نظیر ایالات متحده، روسیه و چین از چنین امتیازی برخوردارند. بدون بدگمانی، اسرائیلی ها میخواستند که اتحادیه پیش از هر بیانیه ای در مورد خاورمیانه، با آنها مشورت کند.

هنگامی که اولین حکومت عربی واکنش نشان داد. کاخ ریاست جمهوری فرانسه دچار سرگیجه شد. «دوستان» فرانسه، نشست سران کشورهای مدیترانه را که قرار بود در ۱۳ ژوئیه برگزار شود، تهدید به بایکوت کردند. و روز شانزدهم ژوئن، همزمان با تشکیل شورای همکاری اتحادیه اروپا- اسرائیل، ۲۷ کشور اروپائی عضو، بسیار مؤدبانه، تقاضای خانم تزبیی لیبونی، وزیر خارجه اسرائیل را رد کردند. او پس از مسکوت گذاشتن موضوع شرکتش در جلسه، سرانجام در آن حاضر شد و برای تبدیل شکست نسبی اش به پیروزی، خبرهایی پخش کرد که نسیمی از واقعیت بودند و مطبوعات اروپا و اسرائیل بدون تطابق با حقیقت، آنها را بازتاب دادند. (۱۲۰ بدین منوال، اصل حقیقت همیشه در پشت ابرها نمی ماند. در اوایل گذشته، کاخ الیزه (ریاست جمهوری فرانسه) با مسافرت ایو اوین دولاً سوزی یر به غزه موافقت کرد. این مدیر پیشین بخش آفریقای شمالی -خاورمیانه وزارت امور خارجه مأموریت داشت با حماس تماس بگیرد. اما، پس از برملا شدن این اقدام، سخنگوی وزارت خارجه فرانسه، آن را «ابتکار شخصی» خواند، بدون این که واقعا این عمل را نفی بکند. سارکوزی در جریان توقف بسیار کوتاهش در بیت الحم در ۲۴ ژوئن، بطور روشن به حماس حمله کرد: «نمیتوان یا تروریسم صلح کرد، نمیتوان با تروریسم مذاکره کرد». آیا همین امر در مورد دولت اسرائیل که سیاست تروریسم علیه اهالی فلسطین را بکار می بندند، صادق نیست؟ اگر در سالهای دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، فرانسه از سیاست آمریکا و اسرائیل که سازمان آزادی بخش فلسطین- ساف- را «تروریست» می نامیدند، دنباله روی می کرد، می توان تصور کرد که مذاکره میان ساف و اسرائیل در سالهای دهه ۱۹۹۰، هرگز عملی نمیشد. آیا با سیاست گسست روبروئیم یا تداوم؟ گاهی این و گاهی آن، به رغم مسئله تبت، پاریس در پی ادامه روابط حسنه با پکن است. در نشست سران در بخارست، فرانسه برای ملاحظه مسکو، دست کم بطور موقت، با الحاق اوکراین به ناتو مخالفت کرد. سیاست خارجی مدام تکان می خورد، گاهی درخفا و گاهی آشکارا!

احتمالی ضربه مغزی داد که جواب نامه پنج ماه بعد آمد. البته ما با توجه به وضعیت روحی و جسمی مادر زهرا از این کار منصرف شدیم. به ویژه که پزشکان متخصص گفته بودند پس از پنج ماه آثار جرم تا حد زیادی از میان می رود وشناسایی را مشکل می کند. ما با توجه به تناقضات متعددی که در پرونده بود و همچنین احتمال حمایت از متهمین، این موارد را به رئیس قوه قضائیه اطلاع دادیم و درخواست کردیم پرونده به تهران منتقل شود. در نهایت در اسفند ۸۶ موفق شدیم، موافقت آقای شاهرودی و دیوانعالی کشور را برای این کار بگیریم. ده روز بعد برای پیگیری سرنوشت پرونده دخترمان به تهران، بارها و بارها به دادرهای مختلف مراجعه کردیم. آنها هر بار حرفی می زدند، چند بار هم گفتند که پرونده در تهران است. اما نمی توانیم بگوئیم در کدام شعبه و کدام دادگاه در حال بررسی است. قاضی همدانی پرونده نیز یکبار در صحبت با پدر زهرا به او گفت که اگر وکلای مدافع پرونده (خانم شیرین عبادی و آقای عبدالفتاح سلطانی) را عوض کنید ما برای به نتیجه رسیدن پرونده با شما همکاری خواهیم کرد. او به پدر زهرا گفت: «من برای شما خیلی زحمت کشیده ام و در این پرونده ده مورد تخلف از اعضای ستاد امر به معروف گرفته ام.» او چند ماه بعد از پدر زهرا خواست: «به اتفاق وکلا به همدان بیایید و بنشینید با متهمان گفت و گو و موضوع را حل و فصل کنید.» قاضی همدانی آنچنان درباره حل

ادامه مطلب برسی چرخش ... از صفحه ۲۰

بانی این تغییرات، شخص رئیس جمهور است و اغلب با منشی معشوش و با یک جریان «غربی-آتلاننتیستی» که با «چهره پوشیده» پیش می رود، چرا که ایده های مورد نظر وی، غیر محبوبند. این امر نتیجه خلاء روشنفکری است: کسی نمیداند که چگونه باید طرحی منسجم تدوین کرد. طرحی که با دادن تغییرات در سنتی که ژنرال دوگل بانی اش بود، آن را بکار بسته و در جهانی که به دو نیم تقسیم نخواهد شد، عملکرد مستقیم فرانسه را میسر کند.

پاورقی ها:

۱-آزادی این پرستاران و پزشک فلسطینی از مدت ها پیش تدارک دیده شده بود. بدون این مقدمه چینی ها اراده گرائی سارکوزی به جایی نمی رسید. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه به کتاب مارک پی یرینی Marc Pierini با عنوان Le pix de la Liberte,Libye,Les Coullisses d'une negociation (بهای یک آزادی، لیبی، در پشت پرده یک مذاکره) از انتشارات «اکت سوده»، آرل، ۲۰۰۸ مراجعه کنید.

۲- انتشارات فایار، پاریس ۲۰۰۷

۳- بیشتر مخاطبان ما در تهیه این گزارش، مایل نبودند نامشان در مقاله برده شود.

۴- به اسناد فرانسه La Documentation Francaise از انتشارات اودیل ژاکوب Odile Jacob، پاریس، ژوئن ۲۰۰۸ مراجعه کنید.

۵- حزب سوسیالیست فرانسه در یک سند درونی بنام «گست آرام ولی نگران کننده نیکولاسارکوزی»، از این واژه ها استفاده کرده است. این سند با سرپرستی اریک بسون تهیه شده است. وی اندکی بعد، به جبهه سارکوزی پیوست و به مقام وزارت رسید.

۶- به کتاب دامی نی بوشان با عنوان La Politique française au Moyen Orient از انتشارات «سیاست خارجی»، پاریس، زمستان ۱۹۸۷ مراجعه کنید.

۷- به مقاله «صدای معشوش فرانسه» نوشته آلن گرش، ژوئن ۲۰۰۶، موجود در آرشیو لوموند دیپلماتیک (فارسی) مراجعه کنید.

http://ir.mondediplo.com/article917.html

۸- به مقاله Chiracet l Iran.Quand la presse S'emballe (زبان فرانسه) در بلاک اخبار خاورمیانه بر روی سایت لوموند دیپلماتیک، ۲ فوریه ۲۰۰۷ مراجعه کنید.

http://blog.mondediplo.net/2007-02-02-Chirac-et-l-Iran-Quand-la-presse-s-emballe

۹- در واقع سارکوزی اظهار داشته که «ایجاد اسرائیل، یک واقعیت سیاسی مهم قرن بیستم» است.

۱۰-اشاره به این امر دارد که پدر بزرگ آقای سارکوزی یهودی بود. اگر چنین مسئله ای را یک روزنامه نگار فرانسوی مطرح کرده بود، به عنوان یهودی ستیز افشا می شد.

۱۱- روزنامه هارتص، سی دسامبر ۲۰۰۷.

۱۲- به مقاله زیر (به زبان فرانسه)، در روزنامه لوموند شماره ۱۷ ژوئن ۲۰۰۸ مراجعه کنید:

Thomas Ferencizm (L'UE et Israel s'engagent dans un (partanariat renforce) qui mecontente les Palestiniens)

ماهنامه لوموند دیپلماتیک، ژوئیه ۲۰۰۸

و فصل پرونده با ما سخن می گفت که انگار درباره یک دعوی کوچک و شخصی خانوادگی حرف می زند.

سرانجام در تیرماه ۸۷، یعنی چهار ماه بعد از این که قرار بود پرونده در تهران بررسی شود، دادگاه همدان بدون توجه به رأی دیوان عالی کشور، تمامی متهمین را با نوشتن این جمله «که اصولاً جرمی اتفاق نیافتاده که بتوان درباره آن رأی صادر کرد»، از همه اتهامات میرا کرد. بازپرس پرونده در شرایطی این حکم را صادر کرده بود که در خلاصه پرونده ای که به امضای خودشان رسیده، هشت مورد تخلف از جمله دستکاری در پرونده برای افزایش مدت بازداشت و ... به چشم می خورد و این تخلف نیز مورد اعتراض قاضی کشیک قرار گرفته بود. با اعتراض ما و با توجه به رأی دیوان عالی کشور، سرانجام پرونده به تهران منتقل شد. پرونده فعلا در تهران است و ما به عنوان خانواده زهرا همچنان به دنبال بررسی دقیق صحنه هستیم که آیا اصولاً امکان این اتفاق به آن شکل که عنوان شده وجود دارد یا نه؟

اما هیچ کدام از مسئولان و دست اندرکاران پرونده پاسخ مشخصی به ما نمی دهند. آیا در این کشور فریادرسی برای پیگیری و شناسایی دلایل و مقصران مرگ مظلومانه فرزند ما که می توانست برای خود، خانواده و جامعه اش مفید باشد، وجود ندارد؟ آیا فریاد رسی در این کشور هست که داد فرزندانمان را بستاند؟

خانواده داغدار دکتر زهرا بنی یعقوب

ادامه مطلب دیدار با تیم ملی فوتبال ... از صفحه۱۷

عظیم زاده خاطرنشان کرد: کلیه هزینه تیم های مهمان شامل بلیت هوایما، اقامت، ترانسفر و تغذیه برعهده فدراسیون فوتبال عمان خواهد بود و قرار است تیم ملی با نفرات اصلی خود در این تورنمنت شرکت کند.

رئیس کمیته روابط بین الملل فدراسیون فوتبال در پایان تاکید کرد: بدیهی است کلیه دیدارهای تیم ملی به درخواست کادرفنی و با انتخاب نوع حریفان تدارکاتی، زمان پیشنهادی و تایید کمیته تیم های ملی نهایی خواهد شد که درخصوص دو دیدار تدارکاتی با تیم ملی چین و نورنمنت عمان با همین رویه عمل شده است.

پیام صادقی محروم را ندارد اما دوستی می گوید: "مشکلی نیست. ما ۲۳ بازیکن داریم که همه در یک سطح هستند. بعضی وقت ها نیمکت نشین ها قوی تر از بازیکنان داخل زمین هستند. مقابل کره ثابت می کنیم بازیکنانی داریم که از کاپیتان تیم قوی ترند."

وی حضور ایران در تورنمت چهارجانبه عمان را بخش دیگری از برنامه های پیش بینی شده ودیدارهای دوستانه تیم ملی عنوان کرد و اظهار داشت: تیم ملی فوتبال کشورمان به درخواست فدراسیون فوتبال عمان برای شرکت در تورنمنت چهارجانبه این کشور که طی روزهای ۱۷ تا ۱۹ دسامبر (۲۷ تا ۲۹ آذر) برگزار خواهد شد، دعوت شده است. براساس اعلام فدراسیون فوتبال عمان در این تورنمنت نمایندگان چهارقاره جهان حضور خواهند داشت و پاداش ۱۰۰ هزار دلاری نیز برای قهرمان این مسابقات تعیین شده است.

جام جهانی می رویم. ما قرار قهرمانی را گذاشته ایم و فردا باید به قارمان عمل کنیم . کاهه رضایی که بیشترین گل بازیها را هم زده می گوید: "هیچ فشاری روی من نیست. می خواهم به هدفم برسم و با گلم قهرمانی را برای تیم به ارمغان بیاورم." ایران در این بازی کاپیتان خود